

درآمدی بر تاریخ جوانکی

جلد دوم

جانکی سردی و گرمسیر

دوره قاجاریه و مشروطه تا سقوط پهلوی

نویسنده:

محمد کریمی منجرمونی

فهرست نویسی پیش از انتشار

سرشناسه	کریمی منجرمونی، محمد، ۱۳۶۶-
عنوان نام پدیدآور	درآمدی بر تاریخ جوانکی / نویسنده محمد کریمی منجرمونی
مشخصات نشر	تهران: ویهان، ۱۳۹۸-
مشخصات ظاهری	۵۲۸ص.
شابک دوره‌ای	۹۷۸-۶۲۲-۲۵۰-۰۱۱-۵
شابک ج ۱	۹۷۸-۶۲۲-۲۵۰-۰۱۲-۲
شابک ج ۲	۹۷۸-۶۲۲-۲۵۰-۰۱۳-۹
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه
یادداشت	نمایه
ملاحظات	ج ۱. جانکی سردسیر و گرمسیر عهد باستان تا انقراض زندیه
مندرجات	ج ۲. جانکی سردسیر و گرمسیر دوره قاجاریه و مشروطه تا سقوط پهلوی
موضوع	جانکی -- تاریخ
موضوع	History - (Iranian People) - Janaki
موضوع	لردگان -- تاریخ
موضوع	History - (Iran) - Lordegan
رده‌بندی کنگره	۸۱ D۸۴۱
رده‌بندی دیویی	۹۴۱/۵
شماره کتابشناسی ملی	۵۹۵۶۱۹۳

عنوان کتاب: درآمدی بر تاریخ جوانکی جلد دوم
(جانکی سردسیر و گرمسیر دوره قاجاریه و مشروطه تا سقوط پهلوی)

ناشر: انتشارات ویهان

نویسنده: محمد کریمی منجرمونی

صفحه‌آرا - ویراستار: سید محمد موسوی معلم

طراح جلد: میثم سیف‌الهی

ناظر چاپ: امیر بهاری

چاپ و صحافی: سوگند

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸

قیمت: ۹۰،۰۰۰ تومان

حقوق مادی و معنوی برای مولف محفوظ می باشد

آدرس: تهران، خیابان جمهوری، بین خیابان فلسطین و ابوریحان، روبروی اورژانس تهران، پاساژ خاچویی، پلاک ۳۵

شماره‌های تماس: ۶۶۱۷۷۱۹۲-۶۶۱۷۵۷۹۱-۰۹۱۹۹۳۲۲۶۲۹

سخنی با خوانندگان

بنی آدم اعضای یک پیکرند،
که در آفرینش ز یک گوهرند...
«سعدی شیرازی»

سخن رافی نیست اگر گفته شود، این بیت شعر سعدی، در بین سروده‌های شاعران بزرگ کشور یکی از ارجح‌ترین، باخترترین، جاودانه‌ترین و مشهورترین سخنانی است که تاکنون پیرامون انسان و آفرینش، و سرچشمه شده است. سعدی در این بیت با ساده‌ترین استدلال و شیوا ترین بیان بر منتهای آمال و آرمان‌های انسان‌ها که همان برابری انسان‌ها و ضرورت احساس همدلی و همدردی باشد، مهر تأکید زده است. این سخن تیزبینانه، حکیمانه و انسان‌مدارانه بر بنیاد داستان آفرینش انسان از دیدگاه ادیان ابراهیمی بیان شده است که می‌گوید انسان‌ها همگی دارای اصل و ریشه مشترک و از نسل یک پدر و مادر خاص که «آدم» و «حواء» هستند، اگر با نگرش علمی این باور کهن را واکاوی کنیم، پژوهش‌های ژنتیکی و ساختمان مولکولی بدن انسان‌ها نیز گواهی می‌دهد که همه گروه‌های انسانی نقشه ژنتیکی مشترک دارند و از ریشه و منشأ واحدی سرچشمه می‌گیرند و باگذشت زمان، تحت تأثیر جغرافیا و شرایط زیست محیطی به لحاظ رنگ و فیزیک بدن دگرگون، پراکنده و به گروه‌های گوناگونی تقسیم شده‌اند.

بااین‌حال عقل، علم، انسانیت و اخلاق می‌گوید، تفاوت در رنگ، فرسنگ، آداب و رسوم و محل سکونت، هیچ امتیاز و برتری برای انسان ایجاد نمی‌کند؛ بلکه این تفاوت‌ها برای تسهیل در زندگی اجتماعی و حفظ آن لازم است و این تفاوت‌ها نمی‌تواند مایه فراتری یا فروتری یک فرد از افراد دیگر باشد.

حال این پرسش پیش می‌آید، اگر همه انسان‌ها علی‌رغم تفاوت‌های گوناگون، امتیازی بر یکدیگر ندارند و همه از یک پیکر و گوهر هستند، آیا شایسته است پیرامون طایفه‌ها و قوم‌ها کتاب‌هایی به رشته تحریر درآورد و مسائل طایفه‌ای و قومی را برجسته و مطرح ساخت (؟) آیا طرح این مسائل ناهم‌سو و در تضاد با سروده سعدی و آرمان‌های انسانی و یافته‌های علمی نیست (؟)

صادقانه باید گفت، به هیچ وجه نویسنده قصد پرداختن به مسائل طایفه‌ای و قومی، بزرگ‌نمایی یا سیاه‌نمایی و بالا بردن یک طایفه یا زمین زدن طایفه‌ای دیگر را ندارد؛ بلکه می‌خواهد با رویکردی علمی به برخی کنجکاوای های انسان‌ها پاسخ دهد. بسیاری از انسان‌ها در هر مرحله از زندگی و با هر شأن و منزلت، گاهی در خلوت خود این پرسش‌ها را مطرح می‌سازند که من کیستم (۱)؟ ریشه و خاستگاه من کجاست (۲)؟ به کدامین روستا، شهر، سرزمین، گروه، طایفه و قبیله تعلق دارم (۳)؟

این کنجکاو به‌ویژه در فضاها و بافت‌های سنتی و ایلی یکی از دل‌مشغولی‌های بسیاری از کسان است؛ زیرا آگاهی داشتن از هویت و ریشه برایشان مهم و یک اصل و یک نیاز است.

آگاهی ما انسان‌ها سرکشد گروه‌های انسانی می‌تواند فایده‌های بسیاری داشته باشد؛ همانند استفاده از تجربیات پیران، یادآموزی و عبرت گرفتن، شناخت نقاط قوت مردمان گذشته و تطبیق آن با شرایط زندگی معیشتی، پزشکی و بیداری انسان. مطالعه تاریخ، انسان را به شکیبایی و بردباری می‌رساند و عادت‌های پس‌مانده چون خردمندی را در کسان پدید می‌آورد. «احمد کسروی» گفته است تاریخ سه فایده دارد: (۱) خوشی و کسب لذت از تاریخ به جهت مطالعه سرگذشت‌ها و رویدادها، (۲) پندآموزی از سوابق مردمان تاریخی و تلاش برای آراستن و پیراستن خویش و (۳) آموختن آیین زندگانی و راه جهان‌داری.

«غلامحسین زرگری‌نژاد» هم گفته است علم تاریخ، هم عبرت است و این تلقی که تاریخ مربوط به گذشته و مطالعه گذشته است، غلط و مردود است. تاریخ برای تغییر و تأثیر در زمانه حاضر است تا از خطاها و تصورات دیروز پند گرفته و همانا... شد. شکوفایی آن الهام گرفته و راهی بر اساس آن فراز و فرودها انتخاب کنیم.

از آن سوی میان مردمان لر تبار، کنجکاوای پیرامون گذشته فراوان دیده می‌شود، اگر این نیاز با پژوهش‌های علمی درست پاسخ داده نشود، ای بسا گرفتار نوشته‌های نامعتبر علمی و احساسی شده و فضای جامعه آلوده به احساسات و تعصب‌های ناروا و دانسته‌های نادرست گردد.

به‌راستی، بخش فراوانی از تاریخ گذشته مردمان لر در سینه و حافظه سالخوردگان نهفته است یا باید در نوشتارهای گوناگون همانند سنگ‌قبرها، قراردادهای خریدوفروش، نامه‌ها و فرمان‌ها، عقدنامه‌ها و... جستجو کرد. اگر پیش از مرگ کهن‌سالان و پیش از آنکه این اسناد نابود گردند که روند نابودی آنان با شتاب پیش می‌رود، دانسته‌ها و نوشته‌های آنان را ثبت و ضبط نکنیم، بخش

مهمی از منابع تاریخی را برای همیشه ازدست داده‌ایم.

از آن‌سوی در بین مردمان بختیاری فقر تاریخ‌نگاری به‌روشنی دیده می‌شود، گرچه در کتاب‌های بی‌شماری، جست‌وگریخته پیرامون تاریخ بختیاری گفتارهایی آمده است؛ اما در یک‌صد سال گذشته نزدیک به ۱۵۰ عنوان کتاب پیرامون تاریخ بختیاری در چارچوب سفرنامه، خاطره‌نویسی، نسب‌نامه و تألیف به چاپ رسید که موضوع اصلی آن‌ها تاریخ بختیاری بوده یا بخش قابل‌توجهی از محتوای آن‌ها پیرامون تاریخ بختیاری بوده است.

شمار کتاب‌های چاپ‌شده در حوزه تاریخ بختیاری.

ردیف	نویسنده	تعداد
۱	بختیاری	۱۰۰
۲	هم‌میهنان غیر بختیاری	۲۰
۳	بیگانگان	۲۵
مجموع		۱۴۵

چنان‌چه در جدول بالا آمده است در یک‌صد سال گذشته نزدیک به یک‌صد کتاب در حوزه تاریخ محلی بختیاری توسط بختیاری‌ها، گرآورد، سیف و به چاپ رسید؛ یعنی در هر سال بطور میانگین یک کتاب به چاپ رسیده و اگر جمعیت بختیاری، نزدیک به چهار میلیون نفر برآورد کنیم، یعنی در حوزه تاریخ برای هر چهار هزار تن، تنها یک کتاب وجود دارد. حال آنکه بسیاری از این کتاب‌ها قدیمی هستند و با نگاه به اینکه علم در همه رشته‌ها پیشرفت چشمگیری داشته است و یافته‌های علمی بشر ده‌ها و شاید صدها برابر شده است، نیاز است نگاه تاریخی بر پایه تجربه‌های گذشته و دستاوردهای نوین مباحث گوناگون تاریخ بومی بختیاری مورد بازبینی و یکاوی قرار گیرد. چنانچه برخی متخصصان در حوزه تاریخ معتقد هستند که هر پنج - شش سال نیاز است با نگاهی نو مسائل تاریخی را مورد بازبینی و کنکاش قرارداد. چنانچه در جدول ذیل مشاهده می‌کنید. دوازده عنوان از کتاب‌های چاپ‌شده پیرامون تاریخ بومی بختیاری بیش از پنجاه سال پیش تألیف شده، پانزده عنوان بین از سی تا چهل سال پیش، چهارده عنوان بین بیست تا سی سال، سی و سه عنوان نیز بین ده تا بیست سال و پنج عنوان هم بین پنج تا ده سال گذشته گردآوری، تألیف و به چاپ رسید. در پنج سال گذشته تنها پانزده کتاب روانه بازار فروش کتاب شده است؛ یعنی در پنج سال گذشته، برای هر سال سه کتاب و برای هر یک میلیون و سیصد و پنجاه هزار نفر

د.....درآمدی بر تاریخ جوانکی (جانکی سردسیر و گرمسیر) / جلد ۲

یک کتاب در حوزه تاریخ محلی به چاپ رسیده است. این آمار نشان می‌دهد که سرانه چاپ کتاب در حوزه تاریخ بومی در میان بختیاری‌ها وضعیت خوبی ندارد.

تعداد کتاب‌های چاپ شده در حوزه تاریخ بختیاری، بر پایه سال تألیف و چاپ:

سالیان اخیر	۵۰ تا ۱۱۰ سال	۳۰ تا ۴۰ سال	۲۰ تا ۳۰ سال	۱۰ تا ۲۰ سال	۵ تا ۱۰ سال	کمتر از ۵ سال
تعداد کتاب	۱۲	۱	۱۴	۳۳	۲۵	۱۵

از نگاه دیگر، کیفیت بسیاری از کتاب‌های چاپ‌شده نیز چندان مطلوب نیست. تنها ۱۲ عنوان کتاب، نویسندگان آن‌ها دارای مدرک دکترای تخصصی در رشته تاریخ بوده‌اند. ۲۲ عنوان کتاب نویسندگان آن‌ها رای مدرک دانشگاهی فوق‌لیسانس و بالاتر و رشته تحصیلی آن‌ها مرتبط با حوزه تاریخ بوده است. ۲ عنوان کتاب نویسندگان یا اقدام به خاطره‌نویسی کرده‌اند یا تلاش کرده‌اند یافته‌های کم عمری و اختراعات خوانندگان قرار دهند. ۳۰ عنوان از این کتاب‌ها نیز به دور از استانداردهای تاریخ‌نگاری برده است.

شمار کتاب‌های تاریخ بختیاری بر پایه تخصص نویسندگان:

کتاب	به دور از استانداردهای تاریخ‌نگاری	آماتور/ سوا غیردانشگاهی یا غیر مرتبط	دانشگاهی/ تخصصی/ مرتبط	تخصصی تاریخ	جمع
تعداد	۳۰	۳۶	۲۲	۱۲	۱۰۰

در شهرستان لردگان نیز تاکنون سه کتاب با تیراژ هفت هزار به چاپ رسیده است؛ یعنی در برابر هر هفتاد هزار نفر یک عنوان کتاب؛ به عبارت دیگر به ازای هر ۳۰ نفر یک کتاب در حوزه تاریخ بومی شهرستان لردگان به چاپ رسیده است.

شمار کتاب‌های چاپ‌شده پیرامون تاریخ بومی لردگان:

ردیف	نام کتاب	نام نویسنده	تیراژ
۱	لردگان در مسیر تاریخ	ساسان طهماسبی کهیانی	۵۰۰۰
۲	بنگ ایل، سرزمین پهناور لر	ولی‌الله اسماعیلی درکه	۱۰۰۰
۳	درآمدی بر تاریخ جوانکی	محمد کریمی منجرمویی	۱۰۰۰
	مجموع		۷۰۰۰

این آمار نشان می‌دهد که سرانه چاپ کتاب در حوزه تاریخ بومی بختیاری با آن همه تقاضای روزافزون، وضعیت خوبی ندارد. چرا که یک کتاب خوب و اثرگذار است که کسان را ترغیب به مطالعه می‌نماید. یکی از راه‌های گسترش فرهنگ کتاب‌خوانی، هموار کردن زمینه‌های لازم برای چاپ کتاب‌های خوب، با کیفیت و پرمخاطب است.

موضوع دیگری که لازم است به آن پرداخته شود، این است که مردمانی که اکنون در حوزه جغرافیای لردگان سکونت دارند از چه زمانی زندگی آغاز کرده، مسکن گزیده‌اند، آیا سکنه بومی منطقه بودند یا مهاجرانی هستند که در اثر رخدادهای گوناگون به بدین سرزمین کوچ کرده‌اند؟ بر پایه اسامی گوناگون همانند زمین حاصلخیز، چشمه‌ها و رودخانه‌های فراوان، جنگل‌های بکر، مراتع غنی، بازارگاه با صوبهستان‌های پربار و امن بودن منطقه به دلیل دشواری دسترسی به آن، می‌توان گفت «لردگان» بیش منطقه لردگان جایگاه زندگی مستمر گروه‌های انسانی مختلف بوده است. کاوس‌های (۱۳۸۱)، نوروزی (۱۳۸۲ و ۱۳۸۴)، پوتس (۱۹۹۹ م) و مهرکیان (۱۳۷۵) بر پایه ته‌مانده و آثار دست‌آمده نمایانگر آن است که از اواخر دوره پارینه‌سنگی و در سراسر زمانه نوسنگی گروه‌های انسانی در این ناحیه زندگی می‌کردند؛ منطقه لردگان پس از آن تا روزگاران ایلامی، هخامنشی، ساسانی، اشکانی و ساسانی بسیار آباد و پررونق بوده و دست کم در دوره ساسانی شهری برجسته بود.

در نوشته‌های تاریخی، اولین بار نام لردگان در نه قرن دوم ه. ق در نوشته‌های «ابن جریر» آمده است که «ابن سینا» در کتاب قانون از او در ذیل مقاله «الزروت» یاد کرده است. در دوران اسلامی، لردگان همچنان شهری آباد بود.

اصطخری در کتاب المسالك و الممالك تألیف به سال ۳۴۴ ه. ق در این - و قل در کتاب صورة الارض تألیف به سال ۳۶۷ ه. ق لردگان را لورگان و لورجان و جزء شهرست اصطخری از پنج شهرستان فارس یاد کرده‌اند. ابن حوقل (۱۳۶۶) پیرامون لورجان نوشته است «که روستای آن سردن است».

در کتاب حدود العالم تألیف به سال ۳۷۲ ه. ق از لردگان نامی نبرده؛ اما از سردن که «شهریست اندر میان دو رود نهاده، جایی... آبادان و خرم، اندر کوه وی معدن رودست» یاد کرده است که گمان می‌رود در محدوده فعلی لردگان بوده است.

مقدسی به سال ۳۷۵ ه. ق لردگان را لوردکان نوشته و تابع اصفهان دانسته است. ابوالقاسم

درآمدی بر تاریخ جوانکی (جانکی سردسیر و گرمسیر) / جلد ۲

جیهانی در کتاب اشکال العالم در قرن چهارم لردگان را از توابع یزد که خود بخشی از شهرستان اصطخر بود، یاد کرده است.

ناصر خسرو در سال ۴۴۴ ه. ق. لوردغان را سرحد [مرز] پارس [فارس] دانسته است. السمعانی در قرن ششم قمری در کتاب المنتخب من معجم شیوخ السمعانی و یاقوت حموی در قرن هفتم در کتاب المعجم البلدان لردگان را ناحیه‌ای از کوره [شهرستان] اهواز گزارش داده‌اند. از قرن ششم هجری که اتابکان لر بر سرزمین لر بزرگ دست یافتند، شهر لوردگان/ لردگان که به گفته مستوفی شهری کوچک بود و سی و پنج فرسنگ با اصفهان فاصله داشت، بخشی از قلمرو اتابکان، رومان لر بزرگ گردید.

طایفه جوانکی در نیمه دوم قرن ششم ه. ق. به همراه طایفه‌های دیگری به اتابک هزار اسف پیوست و او را با حکام بخشی امارت و گسترش قلمرو یاری کردند. اتابک در تجلیل از خدمات طایفه‌ها، قدر خود را بین آنان تقسیم کرد و هر طایفه را در بخشی از قلمرو خود مستقر کرد که به نام آن طایفه نام گرفته، شهرت یافت. هنوز برخی مناطق به نام همان طوایف شناخته می‌شود؛ مانند ممسنی، لیرای، گونند، تل، عقیلی، ابوالعباسی^(۱)، آلانی، کوشکی و... سهم طایفه جوانکی نیز منطقه‌ای گسترده در ده سال کوه «منگشت» بود که پس از آن به نام جوانکی و جانکی نامور گشت.

با فروپاشی امارت اتابکان لر، در سراسر قلمرو آنان نظام طایفه‌ای [ملوک الطایفه‌ای] برقرار گشت و هر طایفه در رأس خود امیری داشت که سرپرستی آن را به عهده داشت. در دوره آق قویونلوها لردگان بخشی از کهگیلویه بود. در منابع تاریخی دوره صفوی، مانند عالم‌آرای عباسی (۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۷۳)، ریاض الفردوس خانی (۱۳۸۵)، تاریخ جهان‌آرای عباسی (۱۳۸۳) و شرف‌نامه (۱۳۴۳، ص ۴۷)، جوانکی به عنوان نام یک طایفه بزرگ و ناحیه به کار رفته است که تابع کهگیلویه و فارس بوده است.

تا اواخر قرن دوازدهم قمری ایل جانکی گاهی یک واحد سیاسی مستقل و بیشتر تابع حکومت کهگیلویه و فارس بود. با ورود و نفوذ ایل کیان‌ارثی به منطقه قلعه‌تل و جانکی و تضعیف و تجزیه طایفه زنگنه، خاک جانکی ابواب جمعی و وابسته به ایل کیان‌ارثی گردید. در سال ۱۲۵۷ ه. ق. در

۱. حمدالله مستوفی طایفه‌های ابوالعباسی، آلانی و کوشکی را جزو لر کوچک آورده است.

لشکرکشی معتمدالدوله به بختیاری، پیش از برخورد با محمدتقی خان، معتمدالدوله با طرح نقشه‌ای رستم خان را مأمور کرد تا پنهانی علی گدا خان - کلاتر جانکی سردسیر - که از متحدان و مشاوران محمدتقی خان بود، به قتل برساند؛ و خود به ریاست جانکی سردسیر رسید. وی مالیات به حکومت فارس می داد.

در سال ۱۲۶۹ ه. ق چون حسینقلی خان در سلطانیه [اراک امروزی] به دیدار ناصرالدین شاه رفت، مأمور گردید، موسی خان عکاشه را دستگیر کرده، تحویل دولت دهد. سردار ظفر (۱۳۶۲، ص ۶۲) نوشته است، چون «پدرم از سلطانیه بازگشت، رفت در جانکی سردسیر، آن هنگام رستم خان پسر پسر مرخ خان حاکم جانکی بود و مالیات جانکی را خود به حاکم می داد. پدرم او را مطیع خود ساخته، بیات آن را جزو ابواب جمعی خود کرده» و از آن زمان جانکی سردسیر به ایل هفت لنگ پیوسته و وابسته به ایل و مردمان بختیاری شد.

طایفه‌های جانکی سردسیر برخلاف سایر طایفه‌های بختیاری از انشعابات بعضی از اقوام و ایلات مهاجر تشکیل شده که به ما، گوناگون در سده‌های گذشته به این منطقه مهاجرت کرده‌اند. شهرستان لردگان به سبب موقعیت و راهی که داشته بین کوه‌های بلند و رودخانه‌های گوناگون محصور شده است، به همین مایه دستگیر شدن آن بسیار دشوار بوده است، این ویژگی سبب گردید تا منطقه لردگان به عنوان یک پناهگاه درآمده گروه‌های بسیاری که به هر دلیل آسودگی نداشتند، به این منطقه آمده، سکنی گزیدند.

سردار ظفر (۱۳۵۴، ص ۳۵۰، ۳۴۹) نوشته است: «جانکی بیلا و جانکی قشلاق در زمان قدیم یکی بود نمی دانم چه وقت و چرا از هم جدا شده، صد و پنجاه سال پیش است که از هم جدا و حکومت هر یک جداگانه است». قائم مقامی (۱۳۲۵، صص ۱۰ تا ۱۱) معتقد است «در سابق ایل جانکی کوچنده بود و تابستان‌ها را در فلارد و خانمیرزا و زمستان در دمنه‌ای غربی ارتفاعات منگشت سپری می کردند؛ اما تهاجمات و مهاجرت‌های مختلف باعث گردید، ایل جانکی یعنی مردمان اولیه منطقه رفته رفته ضعیف و به مرور پراکنده شدند و بسیاری از آن‌ها چون بیلاق رفتند دیگر به قشلاق بازنگشتند و امروز آن‌ها به جانکی‌های سردسیری معروف‌اند».

ساکنان فعلی منطقه لردگان از گروه‌های انسانی گوناگونی تشکیل شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

س درآمدی بر تاریخ جوانکی (جانکی سردسیر و گرمسیر) / جلد ۲

(۱) مردمان طایفه کهن جانکی که بایستی قدیمی ترین سکنه باشند و از قرن ششم در منطقه سکونت یافته‌اند.

(۲) طایفه‌هایی که انشعابی از ساختار اجتماعی طایفه‌ای کهگیلویه و بویر احمد هستند همانند طایفه‌های جلیلی، میلایی، دودرایی، نوئی و... که همگی زیر مجموعه ایل‌های بزرگ جاکي و کرایي بودند.

(۳) بختیاری که شامل طوایف بابادی گاشه و راکی، بهداروند، زراسوند، گندلی، سهید، مالمو، شیرانی، بابا احمدی.

(۴) ترک‌ها، ترک‌ها، سادات، گروه‌هایی از لر کوچک و...

در پایان برای آقای محمد کریمی منجرمویی، فرهیخته و پژوهشگر جوان، دانا و توانا که پس از سال‌ها پژوهش و کوشش، نتیجه پژوهش‌های خود را تحت عنوان مجموعه آثار ارزنده «درآمدی بر تاریخ بانکی» در سه جلد، نگارش و به چاپ برساند، آرزوی تندرستی، شادکامی و سربلندی داریم. این کتاب حار ارزش‌های زیادی است و می‌تواند منبعی مفید، مستند و باارزش برای علاقه‌مندان و پژوهشگران در حوزه تاریخ بومی باشد. امید بر آن داریم که این جوان خوش‌ذوق، صاحب اندیشه و اهل قلم آثار و دستاوردی بی‌شمار دیگری از خود ارائه و منتشر نماید و همگان را بهره‌مند سازد.

سید محمد علی - گل سفیدی - هوشنگ شاهین پور

زمستان ۱۳۹۸

فهرست

پیش‌گفتار.....	۱۱
فصل اول جانکی در عهد قاجاریه و مشروطه.....	۱۵
بخش اول عهد قاجاریه (۱۱۷۴ - ۱۳۰۴ ه.ش).....	۱۵
جانکی و بختیاری در زمان آغامحمدخان قاجار (۱۱۷۳ - ۱۱۷۶ ه.ش).....	۱۶
جانکی و بختیاری در زمان فتحعلی شاه قاجار (۱۱۷۶ - ۱۲۱۳ ه.ش).....	۱۹
اسد خاں بهادر.....	۲۰
جانکی در دوره محمد و محمد تقی میرزا حسام السلطنه (فرزندان فتحعلی شاه قاجار).....	۲۲
حکومتگران جوانکی سردسیر (نهان‌اند اسکندر خلیفه).....	۲۴
شهبازخان جانکی و همسر فتحعلی شاه قاجار (دختر جانکی).....	۳۰
اتحاد بابادی - جانکی و جنگ آن‌ها با راکی‌ها.....	۳۲
درگیری موسی خان عکاشه و مرتضی قلی خان قشقایی.....	۳۴
محمدتقی خان چهارلنگ (۱۲۱۲ - ۱۲۲۰ ه.ش).....	۳۷
جانکی و بختیاری در دوره محمدشاه قاجار (۱۲۱۳ - ۱۲۲۷ ه.ش).....	۴۲
جانکی در دوره محمدتقی خان چهارلنگ (اختلاف اولاد محمدتقی خان حسن خان).....	۵۱
جواشیم هیوارد استاکلر (۱۸۳۱ م/ ۱۲۴۷ ه.ق).....	۵۴
شاهرخ خان جانکی و لشکرکشی حسام السلطنه به جانکی سردسیر (۱۲۴۵ ه.ق).....	۵۵
علی‌گدا خان جانکی.....	۶۲
وصلت‌های خانوادگی خوانین جانکی و بابادی.....	۶۷
سر هنری راولینسون (۱۱۸۹ - ۱۲۷۴ ه.ش).....	۷۰
سر اوستن هنری لایارد (۱۱۹۶ - ۱۲۷۳ ه.ش).....	۷۲
بارون کلمنت اوگوستوس دوئید ۱۲۱۹ ه.ش.....	۷۷
جانکی و بختیاری در دوره ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۲۷ - ۱۲۷۴ ه.ش).....	۸۱

۸۲	حسینقلی خان ایلخانی (۱۲۰۰ - ۱۲۶۱ ه.ش.)
۸۸	جانکی سردسیر لردگان در دوره حسینقلی خان ایلخانی
۹۰	تسلط حسینقلی خان ایلخانی بر بابادی
۹۰	رستم خان جانکی (وصلت ایلخانی با خوانین جانکی)
۹۳	حمله به بختیاری و جانکی سردسیر؛ تخریب قلعه لردگان (۱۲۶۶ - ۱۲۶۷ ه.ق.)
۹۵	طایفه مال احمدی فلارد
۱۰۵	تیره قوامی مال احمدی
۱۱۰	فرزندان حاج حسینقلی خان
۱۱۱	فرزندان خانجان خان
۱۱۱	تیره کمال مال احمدی
۱۲۰	بابان گاشه (عکاشه) ساکن در خانمیرزا
۱۲۷	حکومتگر بابای جانکی سردسیر در دوره ناصرالدین شاه
۱۳۶	درگیری صرالسایان و حسینقلی خان ایلخانی با معتمدالدوله بر سر فلارد
۱۴۹	بختیاری و جانکی از دهکده حاج عبدالغفار نجم الدوله ۱۲۶۰ ه.ش.
۱۶۴	همسران حسینقلی سر ایلخان (۱) شران شاهرخ خان جانکی)
۱۶۸	خسرو خان خسروی
۱۷۰	دودستگی میان خاندان ایلخانی و حاکمان ایلخانی بر سر قدرت
۱۸۷	سی بابن و فردریک هوسه (۱۳۰۲ ه.ش.)
۱۸۸	ایزابلا بیشوپ (۱۳۰۷ ه.ق.)
۱۹۳	جانکی سردسیر لردگان در کتاب فارستامه ناصری
۱۹۵	جانکی سردسیر لردگان در آثار محمدحسن خان اعتمادالدوله
۱۹۸	بختیاری و لردگان در زمان مظفرالدین شاه قاجار (۱۲۷۴ - ۱۲۸۵ ه.ش.)
۲۰۱	بختیاری و انگلیس
۲۰۳	اوضاع جانکی سردسیر تا روی کار آمدن محمدعلی شاه
۲۰۶	بخش دوم: عهد مشروطه (۱۲۸۵ - ۱۲۸۸ ه.ش.)
۲۰۶	بختیاری و جانکی در دوره محمدعلی شاه قاجار (۱۲۸۵ - ۱۲۸۸ ه.ش.)
۲۱۴	فتح اصفهان توسط مشروطه خواهان بختیاری

فلارد در قرارداد بین خاندان ایلخانی و حاجی ایلخانی؛ قبل از فتح تهران	۱۲۸۸ ه. ش/ ۱۹۰۹ م.....	۲۲۲
فتح تهران توسط مشروطه خواهان و بختیاری ها.		۲۲۵
فلارد در قرارداد میان خاندان ایلخانی و حاجی ایلخانی؛ بعد از فتح تهران		۲۲۹
۱۲۸۹ ه. ش.....		۲۲۹
بختیاری و جانکی در دوره احمد شاه قاجار (۱۲۸۸ - ۱۳۰۳ ه. ش).....		۲۳۱
وضعیت خانمیرزا در دوره مشروطه.....		۲۳۲
جانکی سردسیر از دیدگاه علیقلی خان سردار اسعد.....		۲۳۲
سرنام جانکی سردسیر و فلارد در کتیه یا سنگ نوشته پیرغاز (ده چشمه).....		۲۳۴
نقش بختیاری و جانکی ها در مقابله با شورش محمدعلی شاه ۱۲۹۰ ه. ش.....		۲۳۶
اوضاع ایران در خلال جنگ جهانی اول (۱۲۹۳ - ۱۲۹۷ ه. ش).....		۲۴۳
بختیاری ها از دید جانکی اول تا سقوط قاجاریه.....		۲۴۶
جوانکی سردسیر در نیم جنگ جهانی اول.....		۲۵۴
جانکی و شورش رضا جوزجی و معترفلی چرمهینی (۱۲۹۸ ه. ش).....		۲۵۴
واقعه قتل نصیر خان ۱۳۳۸ ه. ق. ۱۲۹۸ ه. ش.....		۲۵۷
مهاجرت سادات علوی به فلارد در دوره قاجاریه.....		۲۶۲
آثار باستانی مربوط به دوره قاجار در شهرستان لرگان.....		۲۶۳
پل کره بست.....		۲۶۳
بقعه سید کریم - فلارد.....		۲۶۴
گورستان و امامزاده مسن.....		۲۶۴
گورستان و امامزاده بوگر.....		۲۶۵
گورستان و امامزاده میل شاه بارز.....		۲۶۶
قلعه دشت پاگرد.....		۲۶۶
حمام دشت پاگرد.....		۲۶۸
قلعه حیدر خان جانکی.....		۲۶۸
فصل دوم: لرندگان در دوره پهلوی.....		۲۶۹
بخش اول: دوره سلطنت پهلوی اول (۱۲۹۹ - ۱۳۲۰ ه. ش).....		۲۶۹
ویتا سکویل وست (۱۲۷۱ - ۱۳۴۰ ه. ش).....		۲۷۵
جانکی در دوره پهلوی (۱۳۰۴ - ۱۳۵۷ ه. ش).....		۲۷۶

- ۲۷۸ لردگان در دوره رضاشاه پهلوی
- ۲۸۴ شیخ عبدالله ویسی - شیخ پیاده (۱۲۸۷ - ۱۳۶۲ ه.ش)
- ۲۹۰ جنگ نامرادی و خوانین فلارد ۱۳۰۹ ه.ش
- ۲۹۵ واقعه قتل نصرالله خان شاهرخی ۱۳۱۲ ه.ش
- ۳۰۵ شهید علیمردان خان بختیاری
- ۳۰۸ دستگیری سران بختیاری و جانکی ۱۳۱۳ ه.ش
- ۳۱۱ جانکی و شهید علیمردان خان - جنگ سفیددشت (۱۳۰۸ - ۱۳۱۳ ه.ش)
- ۳۲۰ اوضاع ایران در خلال جنگ جهانی دوم (۱۳۱۸ - ۱۳۲۴ ه.ش)
- ۳۲۲ بخش دوم: دوره سلطنت پهلوی دوم (۱۳۲۰ - ۱۳۳۲ ه.ش)
- ۳۲۳ شیخ پیمانه - مالاریا در لردگان ۱۳۲۰ ه.ش
- ۳۲۴ جنگ کردیه - چارلز الکساندر گالت ۱۹۴۴ م / ۱۳۲۳ ه.ش
- ۳۲۶ جانکی در ایران - شو ش هاء ابوالقاسم خان (۱۳۲۰ - ۱۳۲۷ ه.ش)
- ۳۴۷ دومین شورش ابوالقاسم خان ۱۳۲۱ ه.ش
- ۳۵۲ کشته شدن ملا نصرالله و زار خان میرزا توسط جانکی ها ۱۳۲۱ ه.ش
- ۳۶۰ نبرد گردنه زردیا ۱۳۲۲ ه.ش
- ۳۶۶ حمله جهانشاه خان صمصام به - حکمی؛ پانیز ۱۳۲۲ ه.ش
- ۳۷۲ شورش سوم ابوالقاسم خان ۱۳۲۴ ه.ش
- ۳۸۲ ابوالقاسم خان و نهضت جنوب ۱۳۲۵ ه.ش
- ۳۸۹ اوضاع جانکی پس از عزل ابوالقاسم خان
- ۳۸۹ جنگ ریگ و بویراحمد ۱۳۲۶ ه.ش
- گزارشات ارتش اصفهان (دفتر سبجالاتی عشایر منطقه، لاسکر ۹ اصفهان)
- ۴۰۳ ۱۳۲۳ ه.ش
- ۴۰۶ قحطی در جانکی ۱۳۲۹ ه.ش
- شورش چهارم ابوالقاسم خان، حضور تیمور بختیار در لردگان (۱۳۳۱ -
- ۴۱۲ ۱۳۳۲ ه.ش)
- ۴۲۱ تقسیمات سیاسی چهار محال و بختیاری و لردگان (۱۲۸۵ - ۱۳۳۲ ه.ش)
- ۴۲۳ لردگان و کودتای ۲۸ مرداد (۱۳۳۲ - ۱۳۵۷ ه.ش)
- ۴۲۶ تقسیمات سیاسی چهارمحال و بختیاری و لردگان (۱۳۳۲ - ۱۳۵۷ ه.ش)
- ۴۲۶ تاسیس فرمانداری درجه یک بختیاری و چهارمحال در سال ۱۳۳۲ ه.ش

تاسیس فرمانداری کل بختیاری و چهارمحال در سال ۱۳۳۷ ه. ش.	۴۲۷
تاسیس استان چهارمحال و بختیاری در سال ۱۳۵۲ ه. ش.	۴۳۱
لردگان در اسناد ساواک (۱۳۴۹ - ۱۳۵۷ ه. ش.)	۴۳۵
الف. سند شماره ۱	۴۳۵
ب. سند شماره ۲	۴۳۶
ج. سند شماره ۳	۴۳۶
د. سند شماره ۴	۴۳۷
ه. سند شماره ۵	۴۳۷
و. سند شماره ۶	۴۳۸
سیر تریخ ماله به تلار	۴۴۱
فصل سوم: لردگان پس از پیروزی انقلاب (۱۳۵۷ - ۱۳۹۸ ه. ش.)	۴۴۴
تقسیمات سیاسی چهارمحال و بختیاری و جانکی سردسیر (۱۳۵۷ - ۱۳۹۸ ه. ش.)	۴۴۵
لردگان پس از پیروزی انقلاب	۴۵۲
حاج شیخ صفرعلی امیری	۴۵۲
مسئولین سازمان تبلیغات اسلامی شهرستان لردگان	۴۵۴
میزبانان مبلغین شهرستان لردگان	۴۵۴
سه دهستانی در دوران جنگ تحمیلی (۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ ه. ش.)	۴۵۸
فرماندهان سپاه شهرستان لردگان	۴۵۸
شهدای شهرستان لردگان	۴۵۹
شهید الیاس ارجمند	۴۵۹
شهدای روحانی شهرستان لردگان	۴۶۰
شهید حجت الاسلام والمسلمین مجتبی کریمی منجرمونی	۴۶۰
شهید حجت الاسلام والمسلمین محسن بیژنی	۴۶۱
شهید حجت الاسلام والمسلمین خدایار صابری	۴۶۳
شهید حجت الاسلام والمسلمین علی عبادی	۴۶۴
سفر فرمانده وقت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران (دکتر محسن رضایی) به لردگان ۱۳۶۲ ه. ش.	۴۶۴

۱۰.....درآمدی بر تاریخ جوانکی (جانکی سردسیر و گرمسیر) / جلد ۲

اعزام اولین کاروان پیاده از لردگان به جبهه ۱۲/۰۸/۱۳۶۵ ه.ش..... ۴۶۷

رویدادهای لردگان (۱۳۷۰ - ۱۳۹۸ ه.ش)..... ۴۶۸

زلزله لردگان در ۱۴ اسفند ۱۳۷۰ ه.ش..... ۴۶۸

آتش سوزی مدرسه روستای صفیلاں (ده بابا) ۱۳۸۳ ه.ش..... ۴۶۹

پتروشیمی لردگان ۱۳۸۳ ه.ش..... ۴۷۱

نزاع‌های دسته‌جمعی در لردگان (۱۳۸۷ - ۱۳۸۸ ه.ش)..... ۴۷۲

بکیری و افتتاح سد کارون چهار لردگان ۱۳۸۹ ه.ش..... ۴۷۳

ان باختن ۵ نفر از فرهنگیان روستای جوانمردی بر اثر تصادف ۱۳۹۲ ه.ش.. ۴۷۳

کمال، بهشت‌آران، فرمانداران و نمایندگان جوانکی سردسیر (۱۳۰۰ -

۱۳۹۸ ه.ش)..... ۴۷۵

نتیجه‌گیری..... ۴۷۹

فهرست‌ها..... ۴۸۱

فهرست نام‌ها..... ۴۸۱

فهرست خاندان‌ها و مکان‌ها..... ۴۹۱

منابع و مآخذ..... ۵۱۳

پیش‌گفتار

از بس کتاب در گرو باده کرده‌ایم
امروز خشت می‌کده‌ها از کتاب ماست
«صائب تبریزی»

شورش و ناآرامی‌هایی که در دوره قاجاریه و پهلوی در منطقه جانکی (سردسیر و گرمسیر) رخ داد، محدود و محلی بود. مفیم حکمرانی زمامدارانی بود که منافع شخصی و حضور در قدرت را بر منافع ملی ترجیح داده بودند. شاهان فاسد قاجار که هیچ چیزی جز تکیه بر تخت سلطنت برایشان ارزش و اعتباری نداشت، از هیچ تلاشی در جهت ایجاد تفرقه و نفاق در سرزمین جانکی و بختیاری دریغ نمودند. آن‌ها با جانکاییان انداختن خوانین محلی و تحریک آنان به برادرکشی، تخم کینه و نفاق را در میان ایل بختیاری و شاه‌سی‌ها کاشتند. نفاقی که سالیان سال ادامه داشت و انسان‌های زیادی را در این راه به ورطه نابودی کشانید. قاجارها به این نیز بسنده نمودند و هر از چندگاهی با لشکرکشی به منطقه و تخریب بناهای تاریخی از جمله قلعه‌ها و قنوت، قدرت خود را به رخ مردم بیچاره می‌کشاندند. در این ایام نشانه بارش «رشد و توسعه فکری و فرهنگی یافت نمی‌شود و مجموعه این فشارها منجر به طغیان احساسات عمومی شده و نهایتاً مشروطه به وقوع می‌پیوندد. اگر حمایت بختیاری‌ها و جانکی‌ها نبود چه به این حال نوبیای مشروطه رو به خشکی نهاده و بر اثر فشارها و دسیسه‌های خارجی و داخلی از ریشه حاکمیت، شده بود.

تا پیش از دوره ناصرالدین شاه قاجار، منطقه جانکی زیر مجموعه فارس و زیر نظر حاکم این منطقه اداره می‌شد. بعدها در دوره حکومت ظل السلطان فرزند وی در اصفهان، این منطقه ضمیمه حوضه حکمرانی او شد. از این دوره به بعد محدوده چهارمحال و بختیاری امروزی نیز یکی از بلوکات اصفهان، زیر مجموعه ناحیه «عراق عجم» بود. سال ۱۲۸۰ه. ش/ ۱۳۱۹ه. ق، «چهارمحال» (چهارمحال) یکی از بلوکات اصفهان محسوب می‌شد که در ولایت عراق عجم واقع بود. در سال ۱۲۸۶ه. ش/ ۱۳۲۵ه. ق، چهارمحال همچنان از توابع اصفهان بود و بختیاری به منطقه‌ای مابین چهارمحال، لرستان، خوزستان و فارس گفته می‌شد. این بخش تا نخستین قانون تقسیمات

کشوری در آبان ۱۳۱۶ه.ش، همچنان زیر مجموعه اصفهان بود.

در دوره پهلوی علاوه بر فشار و سرکوب مردم محلی، شاهد تجزیه سرزمینی منطقه بختیاری و جانکی نیز بودیم. در اواسط زمامداری رضاشاه، ضمن آنکه مناطق وسیعی از بختیاری به خوزستان پیوست، بقایای آن تحت حاکمیت فرمانداری شهرکرد - بختیاری و سپس فرمانداری کل چهار محال و بختیاری قرار گرفت.

سال ۱۳۰۸ه.ش به بعد عمدتاً نیروهای نظامی بر بخش‌های مهم بختیاری مسلط و باعث ظلم و ستم، یار به مشایر شده بودند. شکست بختیاری‌ها و جانکی‌ها در «سفیددشت» و «دهکرد» و قتل نام، دستگیری رهبران آن‌ها (همچون علیمردان خان، خان‌بابا خان اسعد، سردار فاتح و سردار اقبال) طی سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۳ از یک سو و از سوی دیگر اقداماتی همچون تخته‌قاپو، خلع سلاح و ارتحال مردم، موجبات نارضایتی اهالی جانکی و بختیاری از حکومت پهلوی را فراهم نمودند. به همین جهت اولین اقدام ابوالقاسم خان، از وی پشتیبانی نموده و به مقابله با نیروهای نظامی پرداخت. باطل این اینکه فرصت‌طلبان درصدد بودند حکومت را تحت فشار گذاشته تا در جهت مطامع آنان حرکت کند و هم زمینه فروپاشی ساختارهای ایلی را به بهانه طغیان و سرکشی فراهم سازند. از پیامدهای این حوادث، بری جز تجزیه سرزمین بختیاری به چند ناحیه و فقر و عقب ماندگی عاید مردم نشد. در این میان مناطق عظیمی از آن ضمیمه استان‌های خوزستان، لرستان و اصفهان گردید. «مهندس الملک» در تقسیم‌بندی ایلات و ولایات ایران در سال ۱۳۰۰ه.ش/۱۳۴۱ق، «چهار محال» را یکی از شهرهای ولایات عمده اصفهان برشمرده و بختیاری را در قسمت ایالات و ولایات ذکر کرده و بادی‌های عمده بختیاری را در حدود چهار محال اصفهان از این قرار برشمرده است: اردل، جونقان، نیان، ناغان، چغاخور، بلباس، دهدز، جانکی، قلعه‌تل، باغ‌ملک، ابوالعباس، قریه میداود، پتک و خل‌کبر. بر اساس قانون آبان ماه ۱۳۱۶ه.ش، چهار محال، ییلاق بختیاری در تابعیت شهرستان اصفهان و در استان شمال قرار گرفت. طبق قانون تقسیمات کشوری دی ماه ۱۳۱۶، شهرکرد به عنوان یکی از بخش‌های تابع شهرستان اصفهان در استان دهم معرفی شده است. این بخش در تاریخ ۱۳۲۱/۱۲/۳، همراه با دو بخش اردل و لوردگان (لردگان) از شهرستان اصفهان منتزع و به شهرستان جدیدی با عنوان شهرکرد و در تابعیت استان دهم تبدیل شد. اردل و لوردگان، بخش‌های تابعه این شهرستان را تشکیل دادند. سرانجام در سال ۱۳۴۵ه.ش نام تاریخی دهستان جانکی حذف و لردگان آن جایگزین شد.